

The effect of using visual arts in solving the problem of not understanding the contents of art books

Mohammad Amin Dabaghian

Sayed Narges Hosseini

Abstract:

The 11th grade art book has many complexities and the respected authors in many cases, including the basic concepts of art and aesthetics, have difficulty writing, messy writing and long writing and similar cases, all of which have made the teaching content of this book heavy. One of the reasons why students refuse to study the 11th grade art book is the heaviness of the course material, which itself causes learning disorders in them. These learning disorders reduce students' self-confidence and cause boredom. Their education and the efficiency of art education has been reduced. Therefore, this research aims to determine the success or failure of using the method of making crafts by students in order to solve the problem of understanding the subject of the art elements of the 11th grade art book and with the method of data collection using study resources including authentic articles between National and domestic was formed in a descriptive and qualitative manner with a promotional approach and with practical goals. The statistical population of the research was students of all eleventh grade courses of Farahikhtegan Ibn Sina High School in Rodhan, and the statistical sample was 60 people according to the standard, divided into 12 class groups of 5 people. By analyzing and examining the tables and graphs of the research findings and results, it can be concluded that the creation of creative crafts is significantly effective in improving the students' mastery of the subject of artistic elements of the 11th art book of the second theoretical high school.

Keywords: Craft, creativity, aesthetics, elements of art

تأثیر به کارگیری هنرهای تجسمی در برطرف کردن مشکل نامفهوم بودن

مطالب کتاب هنر پایه یازدهم متوسطه دوم نظری

محمد امین دباغیان^۱

سیده نرگس حسینی^۲

صص ۴۸ - ۲۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۲۵

چکیده

کتاب هنر پایه یازدهم دارای پیچیدگی های زیادی است و مولفین محترم در موارد زیادی از جمله قسمت مفاهیم بنیادی هنر و زیبایی شناسی دچار دشواری نویسی، آشفته نویسی و بلند نویسی و موارد مشابه شده اند که همه این موارد باعث سنگین شدن مطالب درسی این کتاب شده است. یکی از مواردی که دانش آموزان از مطالعه کتاب هنر پایه یازدهم سر باز میزنند همین مشکل سنگین بودن مطالب درسی است که این امر خود باعث بروز اختلال یادگیری در آنان می شود. این اختلالات یادگیری با کاهش اعتماد به نفس دانش آموزان، باعث دلزدگی تحصیلی آنان و کاهش بازدهی آموزش هنر شده است. لذا این پژوهش با هدف تعیین موفقیت یا عدم موفقیت به کارگیری روش ساختن کاردستی توسط دانش آموزان به منظور برطرف کردن مشکل فهم مبحث درسی عناصر هنری کتاب هنر پایه یازدهم و با روش جمع آوری داده ها با بهره گیری از منابع مطالعاتی از جمله مقالات معتبر بین المللی و داخلی به صورت توصیفی و کیفی و با رویکرد ترویجی و با اهداف کاربردی شکل گرفت. جامعه آماری پژوهش دانش آموزان کلیه رشته های پایه یازدهم دبیرستان فرهیختگان ابن سینای رودهن و نمونه آماری طبق استاندارد ۶۰، نفر به تفکیک ۱۲ گروه کلاسی ۵ نفره بوده اند. با تحلیل و بررسی جداول و نمودارهای پژوهش یافته ها و نتایج پژوهش میتوان نتیجه گرفت که ساخت کاردستی های خلاقانه در بهبود میزان تسلط دانش آموزان بر مبحث عناصر هنری کتاب هنر یازدهم دوره متوسطه دوم نظری به صورت معناداری موثر است.

کلیدواژه ها: کاردستی، خلاقیت، زیبایی شناسی، عناصر هنر

^۱ فارغ التحصیل کارشناسی ارشد مهندسی معماری و دبیر هنر متوسطه دوم و هنر آموز هنرستان رودهن، تهران Amin.dabbaghian@yahoo.com

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد معماری داخلی، دانشگاه آزاد پردیس

مقدمه

آموزش یکی از ارکان اساسی بهبود رشد و توسعه هر اجتماع و در عین حال یکی از نشانه‌های بارز آن رشد و توسعه پیشرفت کمی و کیفی است. به این ترتیب در پیشرفت هر اجتماعی آموزش و پرورش در وجوه و سطوح گوناگون قدرت هم نقش علت را بازی می‌کند و هم حکم معلول را دارد. (کریمی و همکاران ۱۳۹۴، ص ۶)

هدف کلی آموزش و پرورش در هر جامعه ای این است که هر فرد را طبق الگوی اعتقادات و ارزش‌های فرهنگی، دینی، اجتماعی، سیاسی خود تربیت کند و انسانی متناسب و شایسته آن جامعه تحویل دهد. بر همین اساس، هر جامعه ای از انسان مطلوب خود تصویری دارد و معنا و غایت معینی برای آموزش و پرورش قائل است، به این دلیل می‌کوشد افراد خود را بر اساس این تصور و معنا تربیت کند. بنابراین، تعیین هدف‌ها مستلزم ملاحظات فلسفی، دینی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است. با توجه به این تعریف، رابطه مستقیم و هماهنگ میان جامعه و آموزش و پرورش وجود دارد. با عنایت به نیاز آموزشی انسان برای فرهنگ‌سازی و تمدن، این نهاد جزئی از این کل ارگانیک است (عالی، ۱۳۸۲). دوره آموزش متوسطه دوم پس از دوره آموزش متوسطه اول آغاز و فارغ‌التحصیلان دوره متوسطه اول بر اساس علاقه استعداد و عملکرد آموزشی خود در دوره تحصیلی و پس از سنجش آمادگی ورود آنها به دوره متوسطه دوم یکی از شاخه‌های متوسطه نظری فنی و حرفه‌ای کار و دانش هدایت می‌شود. (کریمی و همکاران ۱۳۹۴، ص ۶)

از مواردی که در برنامه درسی ملی به آن اشاره شده تربیت فرهنگی و هنری است که باعث شناخت پیشینه فرهنگی و توانایی‌های فردی و توسعه ظرفیت‌های وجودی و کسب بخشی از شایستگی‌های مورد نیاز برای زندگی می‌شود. دستیابی به کمال در اخلاقیات، ارزیابی فرهنگ بشری بر اساس نظام معیار، در گروهی دستیابی متریبان به ابزار و رسانه‌هایی با توان بازنمایی دامنه و عمق ارزش‌هاست. استفاده از هنر و قالب‌های هنری مناسب‌ترین طریق بازنمایی تجربیات غنی از احساس و عواطف انسانی است. (<https://fasrnews.com>)

کتاب هنر از جمله دروس انتخابی و در کنار تفکر و سواد رسانه‌ای و سواد رسانه‌ای و کارآفرینی، به عنوان یکی از سه درس انتخابی ارائه می‌شود، اما نکته قابل تأمل این است که چرا این درس کمتر از دیگر دروس انتخابی مورد توجه قرار گرفته است؟ این امر دلایل زیادی دارد که از جمله ساختار ضعیف کتاب هنر و در کل مهجور بودن هنر در نظام آموزشی کشور است. در این کتاب ۱۵۰ صفحه‌ای موضوعات به اختصار مطرح شده‌اند. این شیوه به از هم گسستگی مطالب و در نتیجه عدم انسجام منجر گردیده و موجب خدشه دار شدن محتوا و ناخوانایی متن شده است. عدم کاربرد واژگان آشنا و ساخت ترکیبات جدید از دیگر نکات منفی کتاب است. (بصری، ۱۳۹۷) محتویات کتاب درسی هم سنگین است و متناسب با سن، موقعیت و شرایط اجتماعی جامعه نیست. (<https://mehnews.com>) در عین حال به دلیل جذابیت نداشتن دانش آموز و معلم را بی‌انگیزه می‌کند. (همان) [این مشکل در مباحث گوناگونی از کتاب مطرح است که در مبحث عناصر هنری عیان تر و واضح تر است که باعث عدم تسلط و فهم مطالب کتاب برای دانش آموزان شده است. از آنجا که [کارهای دستی و عملیات بدنی مثل بافندگی، گلدوزی، دوزندگی، نقاشی همه و همه در دانش آموز اثر دارد. ناراحتی‌های حسی و فکری و عاطفی او را برطرف می‌سازد. از هیجانات شما راحت برای آرامش می‌آورد و موجبات رشد شخصیت در ارتباط به نفسش را فراهم می‌کند (قائم، ۱۳۷۰، ۲۲۵) این پژوهش بر آن است تا تاثیر ساخت کاردستی بر فهم مطالب کتاب هنر پایه یازدهم علی‌الخصوص مبحث عناصر هنری را بررسی کند.

اهداف پژوهش

-تعیین موفقیت یا عدم موفقیت به کارگیری روش ساختن کاردستی توسط دانش آموزان به منظور برطرف کردن مشکل فهم مبحث درسی عناصر هنری کتاب هنر پایه یازدهم

پرسش‌های پژوهش

برای رسیدن به اهداف پژوهش، پرسشهای زیر مطرح می‌شود که با پاسخ دهی دقیق و علمی بر مبنای داده‌های حاصل از پژوهش بتوانیم به این خصوصیات دست یابیم.

۱. آیا میتوان با روش ساختن کاردستی توسط دانش آموزان، مشکل فهم مبحث درسی عناصر هنری کتاب هنر پایه یازدهم را برطرف کرد؟

فرضیه پژوهش

برای داشتن مبنایی برای پژوهش و رسیدن به اهداف و پاسخ پرسش های پژوهش، فرضیه های زیر برای پژوهش مفروض شد.
- با ساخت کاردستی توسط دانش آموزان، مشکل بودن فهم مبحث عناصر هنری کتاب هنر پایه یازدهم برطرف خواهد شد.

روش پژوهش

برای پاسخ گویی به پرسش های اصلی تحقیق و دست یابی به اهداف عمده پژوهش، جمع آوری داده ها با بهره گیری از منابع مطالعاتی از جمله مقالات معتبر بین المللی و داخلی به صورت توصیفی و کیفی و با رویکرد ترویجی و با اهداف کاربردی می باشد.

آموزش

در لغت نامه ی دهخدا، آموزش عبارت است از عمل آموختن و تعلیم دادن (دهخدا، ۱۳۸۲) همچنین آموزش به معنی آموختن، یاد دادن و تعلیم و تربیت است (طباطبایی ۱۳۶۳، ۱۳۱). به عبارت دیگر آموزش عبارت است از فعالیت هایی که به منظور ایجاد یادگیری در یادگیرنده از جانب آموزگار و یا معلم طرح ریزی میشود و بین آموزگار و یک یا چند یادگیرنده به صورت کنش متقابل جریان می یابد. (سیف، ۱۳۶۸، ص ۱۴) بر این اساس آموزش درمقایسه با تدریس مفهومی گسترده تر دارد. چرا که تدریس صرفا ناظر بر فعالیت های کلاسی معلم که مبتنی بر کنش متقابل بین معلم و دانش آموزان است. درحالی که آموزش شامل تمام فعالیت های معلم قبل از کلاس درس، حین کلاس درس و بعد از کلاس درس است. (باقری، ۱۳۷۸)

آموزش و پرورش

آموزش و پرورش یکی از نهادهای اصلی و تأثیرگذار در پویایی و بازتولید فرهنگ و ارزش های مسلط جامعه است، ارزش هایی که نظام فرهنگی، آنها را برای بقا و ادامه کارکردهای اصلی جامعه ضروری میداند. بسیاری از کژکارکردهای فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آدمیان، ریشه در باورها، افکار و رفتار آنان دارد و مناسبترین سن برای بازسازی، تقویت و نهادینه سازی اندیشه ها و باورهای درست و اصلاح افکار و رفتارهای غلط، سنین آموزش مدرسه ای است. آموزش و پرورش هم از طریق کارکرد فرهنگ پذیری و جامعه پذیری و هم از طریق ارتقاء، پرورش و رشد حوزه های ادراکی، شناختی، ارزشی و گرایشی انسانها، محور و قلب توسعه فرهنگی است. آموزش و پرورش میتواند فرصتی برای تمرین مشارکت، اعتلای فرهنگی، تربیت فرهنگی، هنری، همزیستی صحیح و سالم، برابری و برادری و وحدت به حساب آید (لوتان، ۱۳۷۸)

آموزش پرورش ایران

تشکیلات آموزش و پرورش در ایران از دوران باستان تاکنون تغییرات و دگرگونیهای فراوانی داشته است. سوابق تعلیم و تربیت آدمی نشان میدهد که به علت ناچیزبودن مجموعه میراث اجتماعی و ساده بودن ارتباطات انسانی آموزش و پرورش به وسیله خانواده ها و بیشتر به صورت غیرعمدی انجام گردیده است. با گسترده شدن دامنه دانش ها و مهارت های بشری، توسعه فرهنگ و تمدن، افزایش جمعیت، تراکم نفوس در شهرها و روستاها؛ رفته رفته نوعی دخالت آگاهانه در جریان انتقال فرهنگ و تمدن به کودک و نوجوانان ضروری شمرده شده و لزوم توجه به تربیت غیرعمدی پدید آمد و سالمندان با توجه به مقاصد معین به پرورش خردسالان پرداختند و برای انجام دادن وظایف تعلیم و تربیت به صورت رسمی و عادی طبق ضوابط به تدریج سازمان های متعددی را ایجاد کردند. بهترین سازمانها از صدر اسلام تاکنون عبارتند از خانواده، مسجد، مکتب و مدرسه. (خضرپور، ۱۳۹۲)

آموزش و پرورش در ایران در طول تاریخ، دچار فراز و نشیبهای فراوانی بوده و دستخوش تغییرات زیادی شده است (چیتساز و قماش، ۱۳۸۷) و نظامات متعددی را بر خود دیده است. اصول مورد نظر در نظام جدید آموزش کشور عبارتند :

۱. تاکید بر امر تغذیه و تربیت دینی و تقویت مهارتهای زندگی
۲. توسعه فرهنگ مهارت آموزشی و ایجاد انعطاف لازم به منظور سمت گیری آموزشهای متوسط جرد تعیین رشته های تحصیلی بر حسب نیازهای کشور و علاقه و استعداد افراد اشتغال مفید و ادامه تحصیل در آموزش عالی و تعیین رشته های تحصیلی برق و نیازهای کشور و علاقه و استعداد افراد بر طبق شرایط و امکانات محیط با توجه به پیشرفت های علمی و فنی
۳. افزایش کمیت و بالا بردن سطح کیفیت و میزان منظره آموزش های فنی و حرفه ای
۴. فراهم آوردن زمینه و شرایط مناسب برای استفاده بهینه از امکانات جامعه به منظور اجرای آموزش های متوسط وسازماندهی آموزش های خارج از مدرسه و تقویت و گسترش این آموزش ها با استفاده از امکانات و دستگاه های مختلف کشور. (کریمی و همکاران ۱۳۹۴، ص ۱۱)

آموزش و پرورش دوره متوسطه

آموزش متوسطه یکی از حلقه های زنجیر آموزش [و پرورش رسمی] است و آموزش عمومی را به آموزش عالی پیوند می دهد و هر نوع فردی در آن در عملکرد و کیفیت هر دو حلقه قبل و بعد تاثیر بسزایی خواهد داشت. این دوره تحصیلی از سه بعدی دوره انتقالی است. انتقال از آموزش عمومی همگانی - غیرتخصصی به آموزش دانشگاهی - تخصصی خاص عدهای معدود، انتقال از محیط آموزشی به محیط کار و زندگی و بالاخره در دوره انتقال میان کودکی (نیازهای فرد تحت نظر ملاقات دیگران تامین می شود) و جوانان و بلوکه فرد استقلال و قبول مسئولیت می رود. هریک از این ابعاد به تنهایی از حساسیت و اهمیت ویژه ای برخوردار است. ترکیب آنها با یکدیگر حساسیت و اهمیت این دوره را چند برابر می کند. بطور کلی می توان گفت دوره متوسطه دوره اعتلای سطح فرهنگ و دانش عمومی و آماده ساختن جوانان برای اشتغال مفید و یا ادامه تحصیل در سطوح عالی در تحصیل یعنی آموزش های علمی و کاربردی و دانشگاهی است. [دارای ویژگی هایست:]

- اعتلای سطح فرهنگ و دانش عمومی و پرورش صفات اخلاقی، بینش سیاسی و اجتماعی .
- شناخت بهتر از تعداد و علاقه دانش آموزان
- ایجاد زمینه مناسب جهت هدایت آنان به مسیر های تحصیلی مناسب احراز آمادگی نسبی دانش آموزان جهت ادامه تحصیل در آموزش عالی.

آموزش و پرورش و فرهنگ

فرهنگ؛ نامریی ترین و آشکارترین بخش زندگی انسان است. نامرئی بودن آن از این جهت است که یک مقوله درونی است و با نظام ارزشی نهادهای شده در وجود آدمی ارتباط تنگاتنگ دارد. می توان گفت که ارزشها؛ درونی ترین و مبنایی ترین عنصر فرهنگ را تشکیل می دهند و همه رفتارها و حالات فرد و جامعه از آنها ریشه می گیرد (ملکی، ۱۳۸۸، ص ۸۴) براین اساس، نظام آموزش و پرورش، حکم زیرساخت و پایه نخستین، در شکل گیری فرهنگ عمومی و باورهای ملی را داراست؛ زیرا کودکانی که از آغاز ورود به مرحله فراگیری، وارد مجموعه های آموزشی و پرورشی میشوند، در مرحله ای قرار دارند که افکارشان بتدریج شکل میگیرد، شکلگیری افکار آنها، با نوعی تمهید و آمادگی فیزیکی، روانی و عاطفی صورت می گیرد و در واقع، همان دریافت های نخستین است که اصلیتین کار را رقم میزند؛ ممکن است با سهل انگاری ها، یکسو نگری ها، قدرت محوری ها، کیمیای تربیت می زند تبدیل به خاکستر گردد و همه چیز را با خود به انهدام و نابودی بکشاند بنابراین، همه فرهنگ های جوامع بشری محصولی از نظام تربیتی است (رحیمی، ص ۲۰-۲۱).

فرهنگ

واژه فرهنگ واژه ای است فارسی مرکب از دو بخش کوچک در فرهنگ: پیشوند (فر) به معنی جلو بالا و پیش آمده و (هنگ) از ریشه روستایی تنگلابی و به معنی کشیدن و سنگینی وزن می باشد. این واژه مرکب از معنوی به معنی بالا کشیدن برکشیدن و بیرون کشیدن است. واژه لکتر در زبان فرانسوی و کالچر در زبان انگلیسی با اصطلاح فرهنگ به مفهومی که در انسان شناسی می رود معادل است لکتر از نظر ریشه لغوی به معنای کشت و زرع از در ادبیات فرانسه معنی این کلمه از پرورش گیاهان به پرورش حیوانات و به عقل پرورش انسان تامین یافته است هر زمینه هر رویداد و هر تفکری در بستر فرهنگی شکل می گیرد و ریشه در آن دارد. (کریمی و همکاران ۱۳۹۴، ص ۲۰)

فرهنگ مجموعه دانش‌ها بینش‌ها نگرش‌ها منشا و روش‌های یک ملت محسوب می‌شود برای این فرهنگ ویژگی‌هایی را مطرح می‌کنند که اولاً هویت دهنده است، ثانیاً مسئولیت آور است، ثالث هم پویاست و هم پایدار است، بنابراین وقتی که می‌توان گفت فرهنگ مجموعه‌ای از دانش‌ها، بینش‌ها، نگرش‌ها، منش‌ها و ارزش‌های یک ملت می‌باشد پس می‌توان گفت که فرهنگ هر جامعه نیز به عنوان پدیده‌ای بی‌همتا به تدریج در حیات جامعه شکل گرفته و قوام می‌یابد نخستین منبع موثر در شکل‌گیری فرهنگ هر جامعه بنیانگذاران مدیران و رهبران شاخص جامعه می‌باشند (hosted.2001)

فرهنگ کلیت درهم تافته است شامل دانش، دین، هنر، قانون، اخلاقیات و هرگونه توانایی و عاداتی که آدمی از جامعه به دست می‌آورد و از آنجایی که فرهنگ حیات جامعه از همه ابعاد زندگی اجتماعی را در بر گرفته و مدار اصلی آن مردم هستند بنابراین هدف هر سیاست فرهنگی که به همگانی کردن فرهنگ گرایش دارد و می‌خواهد فرهنگ اندوزی را در جامعه اطلاعات بخشد باید متکی بر میراث فرهنگی آن جامعه و مجاهده رفتار جمعی و عنایت به نیازهای مردم در بستر زمان باشد. (کریمی و همکاران ۱۳۹۴، ص ۲۰)

فرهنگ و هنر

از آنجایی که آدم و زندگی اش با هستی و محیط زیست در داد و ستد معنادار است امکان تعریف ماهیت و هویت زندگی اش نیز در نسبت انسان به هستی روشن‌تر خواهد شد. زیرا زندگی تعریف معنای خود را از کیفیت حضور انسان در هستی می‌گیرد (فیضی، ۱۳۸۸، ۳۹) و انسان این کیفیت در ارتباط خویش را در بسیاری از مواقع در صور هنری و شکل‌های گوناگون هنر به نمایش می‌گذارد، هنر جزئی از فرهنگ است. (ایمانی خوشخو، ۱۳۸۷)

پس بدون غرق شدن در تعاریف مختلف فرهنگ و هنر به دو تلقی رایج از نسبت هنر و فرهنگ می‌پردازیم. این دو تلقی عبارتند از: فرهنگ و هنر یا هنر و فرهنگ. در دیدگاه [اول] فرهنگ بر هنر مقدم است و به عبارتی هنر جزئی از فرهنگ است و ذیل آن معنی پیدا می‌کند. در اینجا هنر امری «آموختنی» تصور می‌شود که از گذشته به ما ارث رسیده است. هنر زیبایی است و در این وضعیت، متولی هنر دستگاه‌های مدیریت فرهنگی و میراث فرهنگ می‌شوند و گالری‌ها و موزه‌ها به جمع‌آوری آثار هنری می‌پردازند. این تلقی بیشتر به دوران مدرن تعلق دارد. در دوره‌ی جدید و از زمان بومگارتن، رشته‌ای به نام استتیک (زیبایی‌شناسی) پدید آمده است. اما آیا اثر هنری لزوماً باید زیبا باشد؟ در دیدگاه دیگر هنر مقدم فرهنگ است و البته بعد از آنکه پدید می‌آید و جزئی از تاریخ می‌شود و مورد نظر و بحث قرار می‌گیرد به یک امر فرهنگی مبدل می‌شود. اگر رابطه‌ی ابتدایی و مقدم هنر و فرهنگ حفظ نشود، آثار هنری به عادات و الفاظ و مکررات و گفتارها و کردارهای تقلیدی مبدل می‌شود. در این دیدگاه منظور از مقوم بودن هنر و مراد از نسبت هنر و فرهنگ اثبات تقدم علی و علیت هنر نیست. بلکه فرهنگ با هنر می‌بالد و ماهیت خود را می‌یابد. اگر هم بخواهیم فلسفی بگوییم هنر مقوم «ماهیت» فرهنگ است نه علت «وجود» آن. برای فهم رابطه‌ی فرهنگ و هنر پیشنهاد این است که بیندیشیم اگر فردوسی و سعدی و مولوی و حافظ و سنایی و عطار و... نبودند، ما که بودیم و چه داشتیم؟ ما تاریخ خود را بی‌وجود آنان نمی‌توانیم در نظر آوریم. (www.sooremag.ir)

پس میتوان گفت هنر و فرهنگ دو مقوله به هم تنیده هستند که در کنار هم و باهم معنا می یابند.

هنر

واژه هنر مشهور تر از آن است که بخواهیم تفصیلاً از ریشه و تبار آن سخن بگوییم. این واژه اصالتاً اوستایی و پهلوی بوده و مرکب از "هو" به معنای خوب، نیک، زیبا، بسیار، بلند و رسا و "نر" به معنای مرد است. (مجموعاً یعنی نیک مرد یا انسانی با فضایل و خصایل پاک و انسانی). نظر دیگری علاوه بر این معنای مشهور وجود دارد که به معنای انجام کاری در حد کمال است در فرهنگ ایران باستان و در فرهنگ ایرانی هنر به معنای نیک مردی و فضیلت است نه صرفاً خلاقیت و مهارت و به یک معنا ملکه‌ای است روحانی و نه صنعتی انسانی. هنر مقوله‌ای پیچیده و در عین حال ملموس و شناخته شده که از دیرباز یعنی از آن هنگامی که انسان خود و محیط را شناخت به عنوان رکن از ارکان زندگی مطرح بوده است. هنر همواره به یاری انسان شتافته است که آن زمان که انسان اولیه بر دیوار غارها برای خود راه یافت یا از طریق آن به مقابله با ضعف

ها و ناآگاهی های خویش بپردازد و یا برتر از فناوری نیز دی غلبه کند و چندین که انسان در دنیای از اضطراب ها و نگرانی ها دست و پا می زند (غفاری ۱۳۶۴)

هنر در معانی عام و انتزاعی به هر گونه فعالیتی اشاره دارد که از طبیعت متمایز است. ولی هنر در معانی مشخص به فعالیتهایی چون نقاشی، گرافیک، موسیقی، شعر و... اشاره دارد. هنر قابلیت های حسی و ادراکی را پرورش می دهد و وسیله ای ارزشمند برای مقابله با تمایل عقلی و عملی که موجب کژ روی می شود را عرضه می دارد (مهرجو. ۱۳۹۷). هنر، عبارت است از نشان دادن زشتی ها، زیبایی ها، بدی ها، خوبی ها و خلاصه تمام ارزش های انسانی در قالبی زیبا و موزون و هماهنگ و گیرا و جذاب و فرد مخاطب را قویاً به خود جذب می کند به صورتی که احساس پایداری به وجود می آورد (حکیمی، ۱۳۶۷، ۲۳-۲۲) و هنر دینی و اصیل انسان را از بدی ها دور می کند و او را به سمت تعالی و پیشرفت سوق می دهد (عباسی دره بیدی و همکاران).

کانت هنر را ملازم با آزادی می داند و معتقد است که عنوان هنر را باید به چیزهایی اعطا کرد که با آزادی به وجود آمده اند یعنی مخلوق اراده ای هستند که برهان و منطق هادی آن است. (به نقل جان لانکاستر، ۱۹۹۰) هنر قسمتی از نیروی خلاقیت انسان است که وی از طریق آن با دیگران ارتباط برقرار می کند (به نقل از قطبی، ۱۳۵۲)

توانایی هنر

هنر به عنوان پدیده زیبایی شناختی از قدرت خاصی برخوردار است و به گونه ای می تواند نیروهای متعارض درون فردی بین فردی و جامعه را بهبود بخشیده و سازگاری بهتر را برای صاحب اثر ایجاد کرده و بعضاً مشکلات او را حل کند (میرزاییگی، ۱۳۷۶) هنر در برگرفته آن بخش از بداعت و خلاقیت انسان است که طی آن فرد با استفاده از مواد و وسایل هنری و دستی عواطف اندیشه ها و احساسات خود را که نشأت گرفته از تفسیر بصری تجارب محیطی به دیگران منتقل می کند البته موفقیت در این کار به میزان تبحر و هنرمندی فرد برای برقراری این انتقال و ارتباط بستگی دارد (امینی ۱۳۸۴)

هنر از نظر مک لوهان در مفهوم اصلی خود یک عکس العمل و کار نیست؛ بلکه ارزش گذاری مجدد و عمیق به یک موقعیت فرهنگی بسیار پیچیده است (مک لوهان ۱۳۷۷ - ۳۸۱) توانایی هنر هر اثر هنری؛ از لحظه ای که ارائه می شود منش ارتباطی می یابد (احمدی، ۱۳۸۳ - ۳۹۱) و هم از جنبه هنری و علمی تأثیرات روانشناختی مثبتی بر مخاطبان خود می گذارد و باعث شکل گیری عادات صحیح در زندگی و مسئولیت پذیری مناسب می گردد. یک اثر هنری دقت و توجه انسان را بیشتر می کند و باعث می گردد تا خلاقیت و تفکر بازدارندگی در فرد ایجاد گردیده و آن را برای خلق آثار و اعمال شایسته و مناسب برای پیشرفت و توسعه فراهم و آماده گرداند (عباسی دره بیدی و همکاران).

هنر نشانه تلاش بیشتر برای پیدا کردن نوع از شناخت از خویش و جهان زندگی است جهانی که در عین فراگیر بودن بسیاری از انسان دور و بیگانه است که (فرزاد، ۱۳۷۶) به انسان کمک می کند تا جهان و مسیر زندگی و پیشرفت را بهتر بشناسد و دریابد. هنر و اثر هنری می تواند در تسکین درد و آرامش خاطر انسان نیز نقش مهمی داشته باشد به گونه ای که امروزه در کلینیک های درمانی از هنر و نقاشی کردن یا موسیقی برای بازیابی آرامش و عزت نفس و آرامش بیماران استفاده می گردد و استفاده از هنر و رشته های هنری مانند موسیقی و هنرهای دیگر چون نقاشی و خطاطی و غیره از شیوه های درمانی استفاده می گردد (عباسی دره بیدی و همکاران).

هنر توانایی و کارکردی انقلابی [نیز] دارد. انقلابی که ماندگار ثابت و پیروزمندانه است (hiedegger, 1975-77) به عقیده فیشر هنر همیشه ابزاری جادویی بوده است که انسان در تسلط و چیرگی و تقویت کمک شایانی کرده است (فیشر، ۱۳۸۵، ۵۱-۵۱) همچنین [هنر در شناخت درون و بیرون انسان توانایی شگرفی دارد که این شناخت موجب تسلط او بر خویش و جهان پیرامون می شود و زمینه را برای دستیابی به پیشرفت و توسعه فراهم می کند (عباسی دره بیدی و همکاران).

ضرورت آموزش هنر

نقش هنر را در نظام آموزش که ناظر بر رشد ابعاد وجودی دانش‌آموزان است نمی‌توان نادیده گرفت و هدف اصلی نظام آموزش و نحوه تربیتی معتقد به دین مبین اسلام برخوردار است. هنر فضایل اخلاقی را تبلیغ می‌کند و این مهم در کنار هنر می‌تواند به سرانجام برسد. آن را می‌توان یکی از کارآمدترین ابزار و تربیت انسان در جهان امروز به شمار آورد که نتایج و اثرات در ابعاد گوناگون به ویژه در زمینه بهداشت روانی از مهمترین آنهاست. با توجه به اینکه هنر می‌تواند با نظر گرفتن حساس ترین مراحل و عمیق ترین ابعاد حیات شخصیت مخاطبان را با تغییر و تحول بارز مواجه سازد. از این رو علاوه بر نقش فردی از تاثیر اجتماعی مهمی نیز برخوردار است یک اثر هنری می‌تواند هدف های مشخصی را در بر گیرد. این هدف گاه صورت جزئی و گاه در حدی کلی که اساسی ترین و کلیدی ترین اهداف و تعلیم و تربیت را می‌توان در آثار هنری جستجو کرد. شاخه های مختلف هنری در درک زیبایی، شناخت جزئیات و مشکلات زندگی نقش بسزایی در قرار دادن کودک در جریان رشد خلاقیت های ادبی و هنری دارند و نیز با ایجاد آرامش با ارضاء شدن ناراحتی های فکری و عاطفی و نابسامانی های روانی می‌شود. ایجاد تعامل و هماهنگی شناخت آداب و رسوم ارزش ها و ضوابط اخلاقی از دیگر صنایع با توجه به هنر در تربیت و آموزش است. (تقی زاده، ۱۳۹۵)

زبان هنر؛ عظیم ترین، خالص ترین و رساترین زبان هاست؛ که به کمک آن می‌توان افراد جامعه را به سوی پیشرفت و تعالی سوق داد. هنر کوششی است، برای خلق زیبایی؛ برای این که در مجاورت عالم واقعی، عالمی رویای و مملو از نقص ها و احساسات بی‌شائبه خلق می‌گردد. هنر شکننده سدهایی است که میان آدمیان و ملل به وجود آمده و قدرت دارد روزی همه را متحد کند و کمک موثری برای تشکیل یک تمدن هماهنگ باشد و وسیله ای گردد که نزدیکی و یگانگی بیشتری میان انسان و طبیعت و وجود انفرادی و جهانی ایجاد کند (سبحانی نژاد و موسوی، ۱۳۹۱)

هنر و شاخه های مختلف آن از مهمترین عوامل در بیان مقاصد افکار عقاید و نیازهای درونی بشر محسوب می‌شود. اشاره به فعالیت های هنری می‌تواند علاوه بر پرورش حس زیبا دوستی نقش موثری در رشد شخصیت شناخت مشکلات به نابسامانی های روانی و درمانی وی داشته باشد. هنر به عنوان یکی از کارآمدترین ابزار و تربیت و نشأت گرفته از قدرت پاک بشر است و می‌تواند به اعماق وجود انسان نفوذ کند و فرد را هدایت کند. مهم ترین روش برای حفظ ارزش های اسلامی به کارگیری هنر در تعلیم و تربیت کودک و دانش آموزان است؛ زیرا دین و هنر هر دو ریشه در فطرت انسانی دارند.

از مهمترین کارکردهای عمومی هنر در آموزش می‌توان به موارد زیر اشاره کرد

الف. هنر راهی برای بیان احساسات

ویژگی بارز کارهای هنری این است که می‌تواند راهی برای بیان احساسات و اندیشه های دانش آموزان بیافریند بدین منظور هرچه معلمان زمینه استقلال و فراهم کردن فضای بدون هراس را بیشتر فراهم کنند در کار تقویت بیشتر موفق خواهند بود به عبارتی هر اندازه دانش آموزان راه بیشتری برای بیان احساسات داشته باشند متعدد نشاط و سلامتی بیشتر خواهد بود.

ب. تاثیر هنر در تقویت اعتماد به نفس و پرورش روحیه خلاقیت

اساس کار هنری دانش آموزان آن است که به آنها فرصت اکتشاف داده شود؛ در این صورت غیر مستقیم با آنها فرمانده می‌شود که ممکن است بیان تجربه ها برایشان مشکل آفرین باشد. دانش آموز از طریق به وجود آوردن کارهای هنری احساسات و عقاید خود را آشکار می‌سازد و از این راه نیروی خلاقیت نیز در درون و پرورش می‌یابد و این اعتماد به نفس و خلاقیت در تمام سطوح یادگیری او نقش موثری دارد.

ج. هنر و درک محیط پیرامون

هنر نوعی واسطه است که می‌تواند به کودکان کمک کند تا به درک و شناخت عمیق محیط پیرامون خود دست یابد تا آنها بتوانند با این محیط هماهنگ شوند یا در حد خود آن را تغییر دهند. هنر و تقویت توانایی کلامی هنرهایی مانند سرود و قصه گویی و غیره هم در بهره گیری از کلام و هم در قدرت بخشیدن به کلام سهم بسزایی دارند.

د. آموزش کار گروهی از طریق هنر

برخی فعالیت های هنری مانند نمایش و سرود نمایش های که ماهیت فنی ندارند و گروهی هستند این فعالیت ها زمینه مناسبی برای آموزش کار های اجتماعی و کارهای گروهی به حساب می‌آیند

و. کاربردهای هنر در ایجاد نشاط یا هنر درمانی

در جهان ماشینی امروزی گذشتن از کنار زیبایی ها و کارهای هنری چیزی جز آشفتگی های روحی و روانی به همراه ندارد؛ در حالی که با آموزش هنر می توان نیروها و هیجانات دانش آموزان در جهت صحیح هدایت کرد. اضطراب، بی نظمی، پرخاشگری، ناآرامی، خجالت، اعتماد به نفس، افسردگی، خشونت از جمله مواردی هستند که می توان به کمک رشته های متنوع هنری آن را درمان کرد.

ز. نقش هنر و یادگیری هنر در فرآیند یادگیری

هنر به علت بار عاطفی و تأثیر پایداری که دارد مورد توجه قرار گرفته است و استفاده از شاخه های مختلف آن باعث به یاد سپردن، به خاطر آوردن، تقویت کلام و ایجاد انگیزش در امر آموزش می شود. همچنین هنر بیش از هر رشته دیگری از دانش بشری می تواند به آموزش غیرمستقیم یاری برساند. اندیشمندان هنر را ابزاری در جهت یادگیری و شکوفایی استعداد های نوجوانان می دانند و یکی از نقش های مهم هنر در نظام آموزشی پرورش حماس است که این کار به مانند ابزار شناخت و پیوند دهنده کودکان با جهان خارج به دریافت جهان درون تلقی می شود.

ح. شکوفایی ارزش های انسانی

احترام به هموعان مستلزم داشتن بینش و گرایش مطلوبی نسبت به بشر و ارزش های اصیل و بشری است ضروری است. ایجاد چنین نگرش و گرایشی از اولین سالهای کودکی و از طریق آثاری درخور فهم و متناسب با علایقش دنبال گردد هنرهای تجسمی از جمله هنرهای زین نقش را به خوبی بر عهده می گیرد این هنر در جهت شناخت ابعاد وجودی انسان و جنبه های مثبت و منفی آن زمان داشتن بینش ایه محصول گر سگ در ارائه جلوه های متعالیه ذات انسان دارد.

ط. اطمینان خاطر و ایجاد آرامش

روح بدون دریافت زیبایی نمی تواند آرام بگیرد و این گفته ارسطو که هنر وسیله ای است برای تسکین آشوب های روانی صحنه بر این مطلب می گذارد.

ی. ابزاری برای اصلاح و تربیت

بعضی از سخنان ممکن است در کودکان و دانش آموزان واکنشی تدافعی ایجاد کند ولی هنر با داشتن نقش اصطلاحی غیر مستقیم کمک شایانی به شکل گیری شخصیت کودک یا دانش آموز می کند. بچه ها غالباً پند و تأکیدی های گفتاری را نمی پذیرند و احساس ناشی از این تحکم نامعقول از این نوع تربیت فرماندهی و فرمانبرداری جز خستگی روحی حاصلی ندارد. به عبارت دیگر تعلیم و تربیت بدون واسطه ممکن نیست؛ هنر ادبیات و بازی یا فعالیت های بدنی بهترین راه برای تعلیم و تربیت دانش آموزان است. (تقی زاده، ۱۳۹۵)

توجه بیش از حد و آموزش در مقطع متوسطه دوم به دلیل وجود کنکور در پایان این مقطع حجم زیاد مطالب کتاب ها و کلاس های تقویتی شرکت در موسسه های کمک آموزشی و غیره شور و نشاط سالم را از دانش آموزان گرفته و سرخوردگی و گاه ناامیدی را به دنبال آورده است. هنر و تربیت هنری می تواند جایگزین مناسبی برای کاهش آسیب های ناشی از موارد مذکور و همچنین اعتیاد امروزی دانش آموزان ما به گوشی همراه و رایانه بازی های رایانه ای اینترنت و غیره باشد و بتواند هیجانات خشن و اضطراب را به احساسات عمیق و لطیف و آرام بخش تبدیل نماید (ابراهیمی و همکاران، ۱۷۰)

تربیت هنری

یکی از کارکردهای اساسی نظام آموزشی کشور در مدارس و مراکز آموزشی کشور به دلیل سوء تفاهات مختلف با مشکلات عدیده ای مواجه است تربیت هنری دانش آموزان است (امینی، ۱۳۹۶) تربیت هنر یکی از تأثیرگذارترین حوزه های برنامه درسی در رشد ویژگی ها و قابلیت های متنوع است اگرچه بعد و هنری فقط یکی از ابعاد تربیتی ولی فرصت های بی بدیل و یگانه را فراهم می کند که به رشد انسان در تمامی ابعاد منجر می شود از این رو اما علمای تعلیم و تربیت برای پررنگ جلوه دادن تربیت هنری در میان برنامه های درسی کوشش کردند اما با وجود تأکیدات و آثار شواهد مختلف حاکی از آن است که در بیت هنری چندان جدی گرفته نمی شود (tamnayfarand et al. 2011)

امروزه در آموزش و پرورش کشورهای توسعه یافته هنر و تربیت هنری یکی از دروس اصلی همه مقاطع آن می باشد این در حالی است که در کشور ما به درس هنر به عنوان درسی کلیشه ای نگریسته شده که می توان در ساعات مربوط به آن ریاضی و دیگر دردهای پایه و تکالیف عقب افتاده را کار کرد یکی از مهمترین موارد مورد نیاز تغییر نگاه و باور مسئولین و دست اندرکاران حوزه تعلیم و تربیت بدنی ویژه معلمان به هنر و

تربیت هنری است هنر را نباید بخشید جداگانه‌ای برنامه درسی مطرح نمودم که باید آن را به عنوان یکی از شیوه های موثر در تعلیم و تربیت قلمداد کرد (عباسی دره بیدی و همکاران). تربیت هنری بررسی معنا و تصریح مفهوم تعلیم و به ویژه تربیت در همه مطالعات از اهمیت خاصی برخوردار است این امنیت ناشی از آثار نامطلوب است که خواه ناخواه بر عدم ادراک صحیح معنای تربیت از طرف مسئولان آن متولد میشود (شکوهی، ۱۳۸۰)

تربیت هنری از آموزش هنری که شامل آموزش صرف هنر است کاملاً جدا می باشد به طوریکه آن آموزش هنر بخش از طبیعت هنری و زیبایی شناختی است در مواجهه با اثر هنری تنها نباید به نمود عینی و ملموس آن توجه کرد که یک اثر هنری مفید می تواند حامل پیامی ارزشمند باشد به شدت گیرنده فرد برای دریافت آن آماده و حساس باشد و این مهم ترین تکلیف آموزش و پرورش در تربیت هنری دانش آموزان است. همه حقایق با زیبایی در ارتباط هستند که هم شامل زیبایی معقول و هم زیبایی محسوس می گردد زیبایی معمول مربوط به خودروها انسان است و زیره عدالت احساس حق شناسی احساس تکلیف احساس یگانگی با انسان ها حاصل می شود در مقابل زیبایی مسئول عبارت است از نمود زیبا که موجب انبساط خاص روانی می گردد زیبایی مغول و محسوس در جهان هم زیبایی هایی مانند به عدالت و حکمت و شجاعت و دانستن را در بر می گیرد در این معنای کلی است که در نظام تعلیم و تربیت ضرورت تربیت هنری و زیبایی شناختی مطرح می گردد (جعفری، ۱۳۶۹)

آموزش و هنر

هدف اصلی در نظام آفرینش حیات بر پایه کمال و بالندگی است. بر این اساس نقش آفرین هستی، بهترین ابزار حواس را در خدمت بشر قرار داده تا برای دریافت هدایت او در طریق سعادت به شایستگی او را کفایت نماید (چیت سازیان - ۱۳۷۹) در شرایط کنونی که تعلیم و تربیت کارآمد یکی از چالش برانگیزترین موضوعات پیش روی جامعه است و تأکید صرف آموزش دانش و محفوظات موجب نابودی دانش آموزان را فراهم می کند و جای خالی هنر بیشتر احساس می شود (ابراهیمی و همکاران، ۱۶۰)

هنر یک توانایی انسانی است که همراهی آموزش را به خوبی و سهولت انجام می دهد. یک نقاشی و یا طرح می تواند معانی و مفاهیم را در کمترین زمان ممکن منتقل کند. به ویژه این اثر و نتیجه انتقال مثلاً در قالب شعر یا داستان، نقاشی و یا بازی های آموزشی به کودکان و نوجوانان باشد، می تواند تمام مفاهیم فرهنگی، مذهبی، معنوی، دینی و آنچه لازم برای پیشرفت را آموزش داد؛ چرا که این روش ها برای انسان جذاب و هیجان انگیز است. هنر با ایجاد علاقه مندی و لذت بردن از آموزش هر امری علاوه بر تسریع یادگیری ماندگاری آن را نیز بیشتر می کند (عباسی دره بیدی و همکاران).

در مدارس می توان از طریق آموزش هنر به پرورش گرایش های مطلوب، تقویت ارزش ها و فرهنگ های مورد نظر در دانش آموزان پرداخت و از آن به عنوان وسیله موثر در جهت آموزش مفاهیم و اصول رشد از جنبه های عقلانی اجتماعی عاطفی و اخلاقی بهره برد. اگر معلمان قصد داشته باشند آموزش برنامه ریزی شده و متعادل برای دانش آموزان خود تدارک ببینند آنگاه تربیت هنری می تواند جایگاهی بس ارزشمند در این میان برای خود کسب کند (لنکستر، ۱۳۷۷)

جایگاه درس هنر در آموزش و پرورش

تکنولوژی آموزشی با ابعاد مختلفی که دارد می تواند در خدمت نظام های آموزشی قرار گیرد و بهره مندی از علوم دیگر می تواند به حل مسائل و مشکلات آموزشی بپردازد. آموزش و تکنولوژی آموزشی با صرف وقت و امکانات بیشماری ارائه شود و بر اصولی متکی باشد، تا به واسطه آن بتوان نتایج یادگیری را به طور مطمئنی پیش بینی و کاربرد حجم عظیمی از امکانات و توانایی های هر اجتماع را در امر آموزش توضیح دارد. همچنین اجزای موثر و موفق آموزش را شناسایی و به صورت الگویی برای سایر آموزش ها به کار برد دارد. (فردانش، ۱۳۸۵)

در مدارس می توان از طریق آموزش هنر به پرورش گرایش های مطلوب، تقویت ارزش ها و فرهنگ های مورد نظر در دانش آموزان پرداخت و از آن به عنوان وسیله موثر در جهت آموزش مفاهیم و اصول رشد از جنبه های عقلانی، اجتماعی، عاطفی و اخلاقی بهره برد. اگر معلمان قصد

داشته باشند آموزش برنامه ریزی شده و متعادل برای دانش‌آموزان خود تدارک ببینند آنگاه تربیت هنری می‌تواند جایگاهی بس ارزشمند در این میان برای خود کسب کند (لنکستر، ۱۳۷۷).

امروزه با تجربه‌های به دست آمده از اجرای برنامه‌ی درسی جدید هنر در مدارس می‌توان گفت فعالیت‌های هنری به تعلیم و تربیت فرزندان ما سمت و سوی فرهنگی می‌بخشد و آن‌ها را در مسیر تجربه‌های واقعی زندگی قرار می‌دهد تا مهارت لازم را کسب کنند. بچه‌ها در زنگ هنر زندگی می‌کنند، خیال می‌کنند، فکر می‌کنند، یاد می‌گیرند، یاد می‌دهند و شاد و بانشاط اند و با کلام و بی کلام ارزش‌های خود را بیان می‌کنند. یعنی هم آزاد هستند و هم احساس مسئولیت می‌کنند. از هنر تعاریف متعددی به عمل آمده است. نوید در این باره می‌نویسد: هنر از جمله درس‌هایی است که باید بیشتر از گذشته به آن توجه شود هنر هم‌زمان انسان است و انسان با هنر زندگی می‌کند و به خصوص گذشت زمان باعث لطیف‌تر شدن وجود انسان می‌گردد و بخش‌های سخت‌افزاری کم‌نقص و کم‌رنج‌تر می‌شوند (نوید، ۱۳۸۶-۲۱).

حتی در ترجمه خود تحت عنوان تعریف هنر می‌آورد هنر نماد بیرونی نیازها احساسات غم‌ها و شادی‌های انسان است و به همین دلیل یکی از راه‌های تحقیق روحی و روانی است بدون این مهارت انتقال احساسات به خوبی صورت نمی‌گیرد. دانش‌آموزی که نتواند با زبان هنر با دنیای اطرافش ارتباط برقرار کند رشد شخصیت است دچار اختلال می‌شود. (گیتی، ۱۳۸۷).

هنر تجسمی

هنر به لحاظ تناسب با زبان آدمی و ارتباط عمیق با ویژگی‌ها و تمایلات درونی وی می‌تواند تاثیر تربیتی عمیقی داشته باشد و شخصیت مخاطبان را با تحولی بارز مواجه سازد هنر در پایداری و اساسی‌ترین جلوه‌های خودباوری آنها، شناخت مهارت‌ها، احساسات، ارزش‌های ژرف و بنیادی نظر دارد که انسان با تکیه بر آن از سطح لذت‌های آنی و شناخت‌های سطحی و اسارت‌دربندش به ارزش‌ها رهیده، تحول واقعی و اصیل و یک نتیجه روی کردن آزادانه و آگاهانه و ارزش‌هاست را امکان‌پذیر می‌سازد. آنچه که این امر را ممکن و تسهیل می‌کند تربیت است؛ وابستگی میان هنر و تربیت چنان است تا برخی صاحب‌نظران معتقدند که پایه اصلی تربیت هنر می‌باشد (امینی، ۱۳۸۴).

هنرهای تجسمی از مهمترین عوامل در بیان مقاصد و افکار و عقاید و نیروهای درونی بشر محسوب می‌شوند که از دیرباز مورد استفاده انسان بوده‌اند. (کیس ودالی، ۲۰۰۸) هنرهای تجسمی به هنرهای بصری یا دیداری گفته می‌شود. آن گروه از هنرهای هست که مشخصاً حس بینایی را مخاطب قرار می‌دهند. هنرهایی چون کاردستی، نقاشی، خوشنویسی، مجسمه‌سازی، طراحی، عکاسی، گرافیک، طراحی صنعتی، معماری و طراحی داخلی و همچنین هنرهای مستقل از آنها از این دسته‌اند. هنرهای تجسمی یا هنرهای نمایشی شنیداری و کلامی و دیگر انواع هنر متفاوت است. هر چند این تقسیم‌بندی چندان محکم نیست (مقدم و همکاران، ۱۳۹۰).

نقش کاردستی و هنرهای تجسمی در آموزش

یکی از روش‌های یادگیری فعال استفاده از هنرهای تجسمی است و کاردستی که نوعی هنر تجسمی می‌باشد در عین این که وسیله سرگرمی از جنبه آموزشی و سازندگی نیز دارد و در برخی موارد اشتغال دانش‌آموزان به ساختن اشیاء بیش از ارزش خواندن کتاب است. دانش‌آموزان در خلال در دست کردن کاردستی به ویژه کاردستی‌های آموزشی به مفاهیم ذهنی جدیدی دسترسی پیدا می‌کند و مهارت‌های بیشتر و بهتری را کسب می‌کنند آنان به کمک کاردستی تجارب ارزنده‌ای به دست می‌آورند به همین دلیل برخی از مربیان دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت معتقدند که هر گونه مطالب درسی را باید همراه با روشی غیر از روش سنتی به دانش‌آموزان آموخت و اصولاً بهتر است ساعات رسمی دروس مدارس را به ساعات کاردستی خلاق و آموزنده تبدیل کرد (محمد اسماعیل، ۱۳۸۳) در رابطه با استفاده از ابزار هنری چون کاردستی در زمینه یادگیری پژوهشگران مطالعات زیادی انجام دادند و یافته‌هایشان حاکیست که هنرهای تجسمی می‌تواند مشکلات یادگیری در دانش‌آموزان را به حداقل برساند و هدف از استفاده از ابزار هنری این است که بتواند مشکلات یادگیری دانش‌آموزان را برطرف کرده و با فعال سازی نیمکره‌های آنان از طریق درک هنر به ارتقاء و پیشرفت تحصیلی آنان کمک کند (کیس ودالی، ۲۰۰۸) همچنین کاردستی و طراحی از مهم‌ترین عوامل در بیان مقاصد افکار عقاید و نیازهای اشتغال به این فعالیت خلاقانه اعم از آفرینش درونی بشر محسوب شده است کاردستی یا کاربرد و استفاده از آن می‌تواند علاوه بر پرورش حس زیبایی دوستی و ذوق هنری انسان نقش موثری در رشد شخصیت شناخت مشکلات و نابسامانی‌های روانی و

درمانی وی داشته باشد (میرزاییگی، ۱۳۷۶) هنرهای تجسمی در کم کردن مشکلات روحی و روانی کودکان بسیار موثر است در این زمینه کودکان باید یاد بگیرد چگونه جزئیات را بشکافند اگر آنها این جزئیات را با هنر ها نشان نشان دهند نتیجه تربیت آنها مشخص می شود و برداشت های فکری شان نسبت به اشیا و دنیای خارج از آشکار می گردد و در نتیجه توانایی فکری آنها رشد و تکامل می یابد و قدرت درکشان قوی تر می شود (داداش زاده، ۱۳۶۵)

به طور کلی کارهای دستی تمرین خلاقیت است و بیشتر از طریق جمع آوری اشیا حاضر می شود به نظر می رسد که میان فعالیت های مغزی و فعالیت های دستی مناسب نسبت معکوس ای وجود دارد که به گفته آلفرد نورث وایتهد عدم استفاده از کارهای دستی یکی از علت های رخوت فکری ارنستو رات هاست. (اسپورن، ۱۳۶۸، ۴۱)

کارهای دستی و عملیات بدنی مثل بافندگی، گلدوزی، دوزندگی، نقاشی همه و همه در دانش آموز اثر دارد. ناراحتی های حسی و فکری و عاطفی او را برطرف می سازد. از هیجانات شما راحت برای آرامش می آورد و موجبات رشد شخصیت در ارتباط به نفسش را فراهم می کند. کارهای دستی خلاقیت فرد را افزایش می دهند؛ چون خودرو همت را به وجود می آورد و هم آن را اجرا می کند. این مطلب در مورد تکه دوزی، منبت کاری، فلزکاری، مدلسازی و تعداد زیادی از کارهای دیگر صادق است. به همین ترتیب تبدیل وسایل خراب و بی مصرف به اشیای مفید تزیینی در خلاقیت بسیار موثر است. بسیاری از خلاقان بزرگ سرگرمی های خلاق داشتند؛ مانند ویکتور هوگو که هم اساسی خانه می ساخت و آنها را طراحی می کرد (قائم، ۱۳۷۰، ۲۲۵)

کتاب هنر پایه یازدهم متوسطه دوم

بنا بر آنچه گفته شد انجام مجموعه ای از فعالیت های علمی و پژوهشی در راستای معرفی و مشروعیت بخشی تربیت هنری و تبدیل ساختن آن به عنوان یکی از کارکردهای اصلی برنامه های درسی در مقاطع تحصیلی مختلف ضرورتی اجتناب ناپذیر است می باشد. (امینی، ۱۳۹۶-۵) لذا تدوین و نگارش کتاب درسی هنر پایه یازدهم متوسطه دوم آموزش و پرورش را میتوان از این منظر مورد توجه قرار داد. چه آنکه جاپ و انتشار آثاری از این دست در کشور ما که با فقر شدید منابع و مستندات علمی مربوط به آموزش و تربیت هنری مواجه است. اقدامی شایسته بوده که میتواند در بسط و اشاعه آموزش هنر در مراکز آموزشی نقش شایانی توجهی داشته باشد. (امینی، ۱۳۹۶-۵) کتاب هنر دوره دوم متوسطه فرصتی است که نظام آموزشی برای دانش آموزان جهت ارتقای معرفت هنری فراهم کرده است و براساس اهداف دوره های تحصیلی در برنامه درسی ملی به صورت زیر تدوین شده است. تا:

۱. با مطالعه و یادگیری درباره پدیده ها، موضوعات، آثار هنری و ... سواد هنری خود را توسعه دهد.
 ۲. با به کارگیری قدرت تخیل و ذوق هنری، اثری فرهنگی هنری خلق کند و آن را بر اساس معیارهای زیبایی شناسی و ارزشی ارتقا دهد.
 ۳. پس از انتخاب یک اثر هنری آن را براساس معیارهای زیبایی شناسی و ارزشی نقد کند و تأثیر آن را بر خود و دیگران بررسی کند.
 ۴. با ارزش گذاری نسبت به میراث فرهنگی (فکری / هنری در سطح محلی، ملی و جهانی، نقش هنر را در شکل گیری هویت و انتقال فرهنگ شناسایی کند. (سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، راهنمای معلم، ۱۳۹۵، ۷)
- این کتاب ارتباط معنا داری با برنامه های درسی تدوین شده در پایه های قبلی خویش دارد و همچنین کامل کننده همان مسیر با رویکرد تحلیلی و زیبایی شناختی است. کتاب هنر دوره دوم متوسطه نسبت به پایه های پایین تر این تفاوت را دارد که در پایه های قبلی، دانش آموز هر جلسه به صورت عملی به انجام کارهای هنری می پرداخت اما این کتاب بیشتر به موضوع شناخت تحلیلی هنر می پردازد. (همان، ۱۳)
- [اما آنچه از نگاه نقد و نقاد دور نمانده است آن است که] کتابی که دربردارنده مضامین هنری است در ظاهر نیز باید نماینده محتوایش باشد؛ طرح جلد و صفحه آرایی و... چنین کتابی باید با دیگر کتب درسی متفاوت باشد. این کتاب دربردارنده چهار پودمان است و هر یک از پودمان ها موضوعات متفاوت و متنوعی را پوشش می دهد. گستردگی هر یک از این مطالب چنان است که در گرایش های هنری متوسطه کتابی به آن ها اختصاص داده شده است. در این کتاب ۱۴۴ صفحه ای موضوعات به اختصار مطرح شده اند. این شیوه به از هم گسستگی مطالب و در

نتیجه عدم انسجام منجر گردیده و موجب خدشه دار شدن محتوا و ناخوانایی متن شده است. به کار بستن برخی از این واژه ها و راهکارها نه تنها ما را به هدفمان که نهادینه کردن فرهنگ بصری و شنیداری از نزدیک نمی کند بلکه ما را از آن ها نیز دور می کند. (بصیری، ۱۳۹۷) که روی هم رفته محتوای کتاب را ناهمگون و نا مفهوم کرده است.

محتویات کتاب درسی هم سنگین است و متناسب با سن و موقعیت و شرایط اجتماعی جامعه نیست در حال حاضر دانش آموزان جلوتر از معلمان و پدر و مادر خود حرکت می کنند کتاب درسی باید قوی باشد تا جواب قانع کننده ای به آنها بدهد اما کتاب های درسی شرایط لازم را ندارند (<https://mehrnews.com>)

در جملات خط سیر مفهومی مشخصی دیده نمی شود و از اخلاق، زیبایی، هنر مدرن و فرم بی هیچ دقت و زمینه ای سخن به میان آورده است. عدم کاربرد واژگان آشنا و ساخت ترکیبات جدید از دیگر نکات منفی کتاب است نمونه قابل ذکر آن هنرهای صوتی است که دقیقاً آن چیزی است که در زبان فارسی موسیقی نامیده می شود استفاده از چنین ترکیبات نام نوروزی و تلاش برای رواج آنها در میان نسل آگاه امروزی کاریست بیهوده و هیچ تضمینی جز ضربه زدن به زبان فارسی ندارد و فعالیت های تعریف شده در هر فصل هدفمند نیستند گاه انطباقی با متن ندارند و گاه مخاطب و امکانات او را به کلی نادیده می گیرند. (بصیری، ۱۳۹۷)

کلاس درس برای دانش آموز خسته کننده است و از طرفی برخی از آگاهی های معلم بهروز نیز و از پس کتاب بر نمی آید در این حالت نه تنها معلم خسته می شود بلکه دانش آموزان هم از گوش دادن به تدریس خسته کننده معلم بی انگیزه تر می شوند بعد از معلمان که سر کلاس می روند و با دانش آموزان ارتباط دارند نظرسنجی شود معلم باید این نگاه را بهم علف بدهد که دانش آموز چه نیازی دارد و مولف هم کتابی تدوین کند که برای معلم خسته کننده نباشد یکی از روش های خوب در تیریز و روش بارش مغزی است به این معنی که به دانش آموز اجازه دهیم راجب موضوع مورد بحث ما هر چیزی به ذهنش می رسد را بیان کند و گفته های او بهترین نتیجه گیری را داشته باشیم به گفته او کتاب های ما اجازه بارش مغزی به دانش آموزان می دهد و یا اگر بدهد ما به نتیجه منسجم در رابطه با موضوع نمیرسیم (<https://mehrnews.com>)

نکته دیگر که باید به آن اشاره کرد و درباره آن پرسید، هدف کتاب است. آیا هدف کتاب هنر غیر از بالا بردن سطح فرهنگ بصری - شنیداری، و یا پرورش خلاقیت در دانش آموزان با بهترین ابزار موجود است؟ باید توجه داشت که آثار هنری صرفاً متعلق به یک مرز و بوم نیستند، بلکه به تاریخ بشری تعلق دارند؛ پس در مبحث آموزش هنر - نه خلق اثر هنری - به نوجوانان، باید به دور از تعصب رفتار کرد و از تمامی امکانات و آثار هنری در عرصه جهانی برای دستیابی به چنین هدف والایی سود برد بر این اساس بهره گیری از آثار هنرمندان غیر ایرانی برای دست یافتن به تجربه زیبایی شناختی می تواند راهگشا باشد و به مراتب درک مطلب را آسان تر می سازد اما چنانکه به نظر می رسد در این کتاب تلاش شده است از تعداد محدودی از آثار هنرمندان ایرانی استقلال استفاده شود که در برخی موارد الگوهای مناسبی برای ورود به مطالب نیستند و از هنرمندان نامی جهان و پیچیدگی آثارشان کمتر بهره برده شده است در کل می توان گفت بخش اعظم تصاویر کتاب در تصاویری معمولی با داده های خاص جغرافیایی قومی و جانور شناسی است که کتاب هنر عرصه ظهور آنها شده است. (بصیری، ۱۳۹۷)

همچنین عدم برنامه ریزی درست و اختصاص ندادن ساعت مناسب به این دست و هماهنگ نبودن کتاب با ساعات درسی چنین مشکلی را ایجاد می کند تا معلم وارد کلاس و دانش آموز صحبت کند زمان کلاس تمام شده و مبحث روی زمین مانده است معلم که مولف کتاب باید حجم را متناسب با ساعات اختصاص شده تنظیم نماید تا مباحث به طور کامل آموزش داده شود اما کتابی نوشته می شود که بیشتر از ساعات اختصاص داده شده است اوایل سال روند تدریس کتاب با یک روند منطقی جلو می رود اما در پایان سال همه چیز فرمان تو جمع شده به دانش آموز درس داده شده است و می شود (<https://mehrnews.com>)

در سند تحول و برنامه درسی ملی نظریات و ادبیات آموزش و تربیت هنری تعاریف، توصیفات و مفاهیم جذاب و راضی کننده ای دیده می شود اما به نظر می رسد آن چیزی که نبودش بیش از همه به چشم می آید، عمل نکردن به برنامه ها و مصوبات است. چون آنچه مشاهده می شود این است که وزارت آموزش و پرورش هیچ امکانی را برای آموزش هنر در مدارس برنامه ریزی نکرده است. ظاهراً قصد ساخت و یا آماده سازی محیط های مناسب برای آموزش هنر را ندارد همچنان که درس تربیت بدنی نیازمند تدارک امکانات مکانی و تجهیزاتی است. آموزش هنر نیز

به فضای کارگاهی نیاز دارد. تجهیزاتی که دانش آموزان بتوانند با درک زیباشناسانه آفرینش الهی و مصنوعات هنرمندانه بشری، مفاهیم فرهنگی و میان فرهنگی را درک کنند و با بهره گیری از قدرت تخیل، توانمندی های لازم را در خلق آثار فرهنگی و هنری به دست آورند و برای حفظ و تعالی میراث فرهنگی، تمدنی و هنری در سطح ملی و جهانی بر اساس نظام معیار اسلامی بکوشند و به ایده پردازی و تولید محصول هنری دست یابند. آیا برای حصول به چنین اهدافی تدارک لازم دیده شده است؟! (<https://farsnews.com>)

مبحث عناصر هنری کتاب هنر پایه یازدهم

هر اثر هنری، شامل سه عنصر است: موضوع، محتوا و فرم (شکل). یکی از اجزا و مفاهیم پایه ای هنر است و تا زمانی که موضوعی در کار نباشد، اثر هنری نمی تواند نشان دهنده چیزی باشد و شکل نخواهد گرفت. براساس روال رایج در دنیای هنر، موضوع هنر ممکن است انسان، شیء یا یک ایده باشد. البته باید مراقب باشیم که معنی موضوع با معنی فرم، که در بخش بعدی آن را توضیح خواهیم داد، اشتباه نشود؛ چرا که فرم در خدمت بیان موضوع است. براساس انتظار ما، ممکن است نشان دادن انسان و شیء در اثر هنری واضح باشد، اما نشان دادن یک فکر یا ایده چنین نیست. در واقع موضوع، نقطه آغاز شکل گیری اثر هنری است و آنچه در باب موضوع بسیار روشن است، شباهت اثر هنری به چیزی در بیرون از جهان اثر هنری است. هنرمند با نگاه کردن به پیرامون خود می تواند چیزهای مختلفی را مانند مظاهر طبیعت، اشیاء و انسانها به منزله موضوع انتخاب کند. بنابراین در اینجا هنرمند باید همواره با بهره گیری از محیط پیرامون خودش و مظاهر طبیعت به صورتی خلاقانه آنها را در قالب یک اثر هنری نشان دهد. مسئله موضوع مربوط به انواع شاخه های هنری است. مثلاً در موسیقی، صدای پرندگان، رعدوبرق و حتی صدای جاری بودن آب را می توان در برخی از آثار موسیقیدانان شنید. اگرچه در هنرهای تجسمی به خصوص نقاشی، موضوع برجسته تر و نمایان تر از سایر گونه های هنری قابل مشاهده است، در تئاترها و فیلم های سینمایی که واقع گرایانه اند نیز موضوع را می توان مشاهده کرد. بنابراین تمامی آثار هنری دارای موضوعاتی اند که میزان نسبت آنها با دنیای واقعی لزوماً یکسان نیست. باید توجه کنیم که در آثار هنری موسوم به انتزاعی (یعنی آثاری که واقع گرایانه نیستند) گاهی موضوع با دخالتهای خلاقانه هنرمند از سر و شکل واقعی و طبیعی خودش فاصله می گیرد و با فرمهای مختلفی به نمایش در می آید. مثلاً یک اثر سینمایی با موضوع دفاع مقدس ممکن است به شکلی مستندگونه و یا به شکل انیمیشن طراحی و ارائه شود. در این صورت موضوع در هر دو اثر یکسان اما شکل و محتوا متفاوت است. (سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، ۱۳۹۵: ۲۹۰)

منظور ما از محتوای اثر هنری در حقیقت همان پیام یا معنایی است که اثر هنری آن را ارائه میدهد. اگر بپذیریم فرم اثر هنری به چگونه گفتن یا چگونه نشان دادن مربوط است، محتوا به چرا گفتن یا با چرایی مرتبط است. محتوا گاهی احساسات و عواطف هنرمند را نشان می دهد و از سویی به معنای هدف نهایی اثر هنری است. البته باید در نظر داشت که گاهی قرار نیست هنرمند مستقیماً پیام یا معنای مشخصی را به مخاطب عرضه کند؛ بلکه نقش مخاطب اثر هنری و برداشت های او از معنای هنر است که اجازه تحلیل و درک محتوا را فراهم می سازد. در حقیقت هنر و شاخه های مختلف هنری هریک به روش خاص خودشان در صدد ارائه و آفرینش محتوا هستند و همان طور که خواهیم دید، برای ارائه محتوا در اثر هنری، هنرمند نیازمند فرم است تا بتواند از طریق آن معنا و محتوای موردنظرش را به نمایش و اجرا در بیاورد. (همان، ۳۰)

ازجمله کلیدی ترین مفاهیم بنیادی هنر است و گاهی آن قدر برای ما عادی و بدیهی به نظر می رسد که مانند مقولاتی چون زمان، فضا و مکان قابل درک و تعریف است. اما واقعیت این است که در جهان هنر، فرم لزوماً همان معنی بدیهی و آشنایی را که ممکن است عموم مردم ب عنوان شکل هرچیزی تلقی کنند، نداشته باشد. زیرا هریک از شاخه های هنری برای بیان محتوا و نشاندادن موضوعشان با فرم های مناسب و متفاوتی سروکار دارند. برای مثال معنی فرم در موسیقی با معنی فرم در نقاشی متفاوت است. به طور کلی در طول تاریخ هنر و از زمان شک لگیری آن، فرم همواره به روش های مختلف مورد توجه هنرمندان و حتی پژوهشگران هنری بوده است. چراکه هنر بدون فرم و محتوا نمی تواند موجودیت داشته باشد و به همین دلیل است که باید بدانیم رابطه تنگاتنگ و مستقیمی بین موضوع، فرم و محتوا وجود دارد. فرم در جهان هنر سه تعریف کلی دارد:

۱. به معنی خطوط دور یک شکل است؛ مانند شکل یک مجسمه و حتی ژست های مختلف. در این معنا، همه اشیای پیرامون ما فرم دارند و می توان خطوط دور آنها را به صورتهای مختلفی مشاهده کرد.

۲. به معنی ترکیب، نظم و آرایش بین اجزا و عناصر تشکیل دهنده اثر هنری است؛ برای مثال ترکیب عناصر در هنرهای تجسمی مانند نقطه، خط، رنگ، بافت و نور. می توان گفت در این تعریف، فرم با ساختار اثر هنری هم معنی است.

۳. گاهی اوقات به معنی سبک اثر هنری تلقی می شود، مثلاً همان گونه که بین یک نقاشی واقع گرا و نقاشی فراواقع گرا (سورئالیستی) تفاوت وجود دارد. (همان، ۳۰-۳۱)

طرح پژوهش

جامعه آماری شامل ۱۷۴ دانش آموز از کلیه رشته های پایه یازدهم دبیرستان فرهیختگان ابن سینای رودهن است؛ که در سه جفت کلاس ۱ و ۲ در هر سه رشته انسانی و تجربی و ریاضی به تفکیک جمعیتی جدول شماره ۱ تقسیم شده اند.

جدول شماره ۱. تفکیک جمعیتی جامعه آماری

عنوان		ریاضی		تجربی		انسانی	
جمعیت	۱	۲	۱	۲	۱	۲	
	۳۱	۳۲	۲۳	۲۳	۳۱	۳۴	
مجموع هر کلاس	۶۳		۴۶		۳۵		
مجموع کل	۱۷۴						

به منظور تعیین نمونه جامعه آماری از هر کلاس به صورت تصادفی ۱۰ نفر انتخاب شد که در دو گروه ۵ نفره سامان دهی شد. تعداد نمونه آماری ۱/۳ است که مطابق استاندارد انتخاب نمونه جامعه آماری است. به هر ۱۲ گروه، برگه سوال متفاوت شامل یک تصویر هنری و سه سوال به منظور ارزشیابی و تعیین سطح تسلط بر مبحث عناصر هنری کتاب هنر پایه یازدهم داده شد. تصویر شماره ۱ نمونه از برگه ارزشیابی است که در اختیار هر گروه قرار گرفت.

به تصویر زیر با دقت نگاه کرده و سپس به سوالات پاسخ دهید.



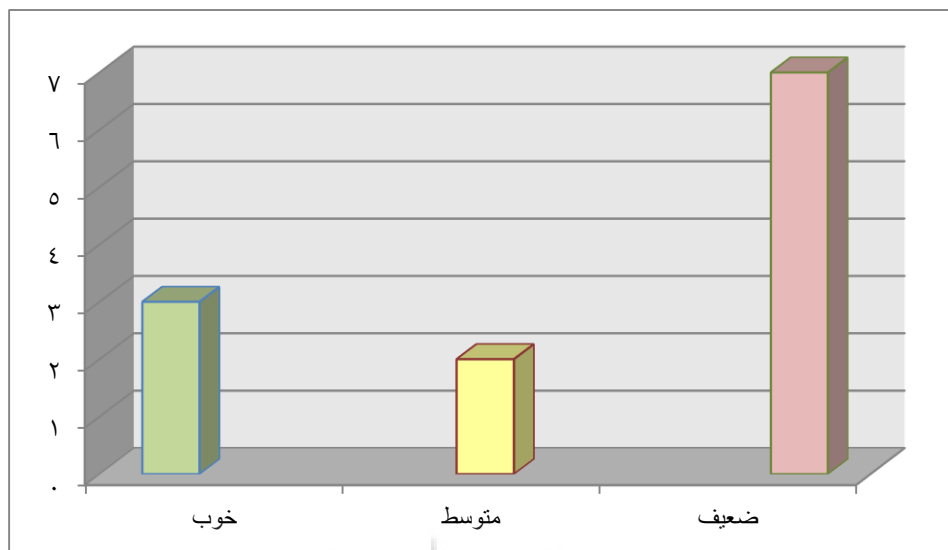
- موضوع اثر هنری فوق چیست؟
- چه محتواها و پیام هایی را هنرمند در قالب این اثر هنری بیان کرده است؟
- فرم ارایه این اثر هنری چه ویژگی هایی داشته و چگونه به انتقال محتوای اثر کمک کرده است؟

تصویر شماره ۱. نمونه برگه ارزشیابی

بعد از پاسخ دهی برگه ها جمع و تعیین سطح شد. نتایج تعیین سطح شناخت و تسط گروه ها بر روی مطلب عناصر هنری در جدول شماره ۲ و تحلیل تصویری آن در نمودار یک قابل مشاهده میباشد.

جدول شماره ۱. نتایج ارزشیابی تعیین میزان تسلط نسبی اولیه گروه های دهگانه

ردیف	نام گروه	میزان تسلط نسبی
۱	انسانی ۱ (الف)	ضعیف
۲	انسانی ۱ (الف)	ضعیف
۳	انسانی ۲ (الف)	خوب
۴	انسانی ۲ (ب)	متوسط
۵	تجربی ۱ (الف)	ضعیف
۶	تجربی ۱ (ب)	خوب
۷	تجربی ۲ (الف)	ضعیف
۸	تجربی ۲ (ب)	ضعیف
۹	ریاضی ۱ (الف)	متوسط
۱۰	ریاضی ۱ (ب)	خوب
۱۱	ریاضی ۲ (الف)	ضعیف
۱۲	ریاضی ۲ (ب)	ضعیف



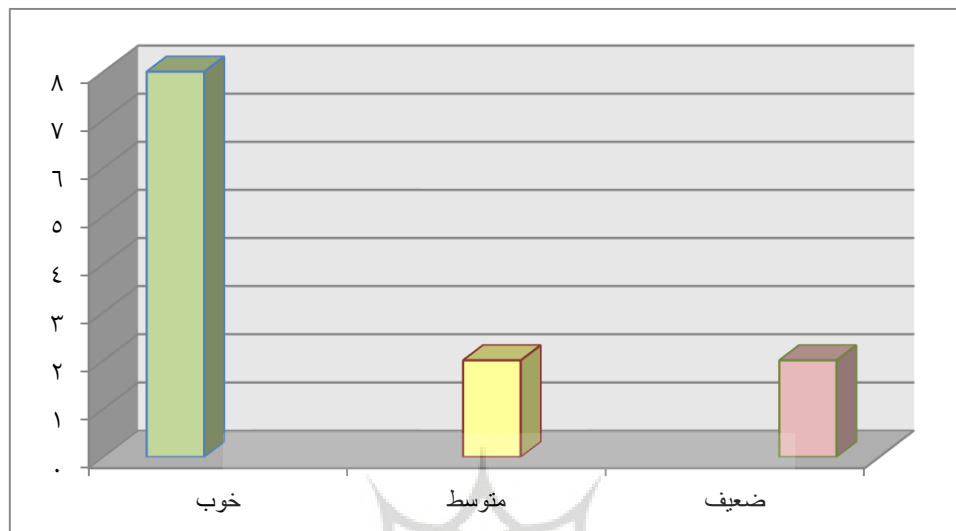
نمودار شماره ۱. نتایج ارزشیابی تعیین میزان تسلط نسبی اولیه گروه های دهگانه (قبل از ساخت کاردستی)

در مرحله بعد به هر یک از گروه های دهگانه موظف شده اند با همکاری هم یک کاردستی خلاقانه با موضوع محیط زیست بسازند. انتخاب محتوا و فرم ارایه آزاد بود و دانش آموزان موظف شدند با بحث و تبادل و نظر باهم در گروه های کلاسی خود با کمک معلم و کتاب درسی، آنها را متناسب با موضوع گزینش کرده و ارایه نمایند. (تصویر شماره ۲) سپس برگه های ارزشیابی مجدداً به صورت صادقی میان آنان پخش شد تا میزان تسلط نسبی آنان مشخص شود.

جدول شماره ۲. نتایج ارزشیابی تعیین میزان تسلط نسبی ثانویه گروه ها تصویر شماره ۲: نمونه کاردستی دانش آموزان



ردیف	نام گروه	میزان تسلط نسبی
۱	انسانی ۱ (الف)	متوسط
۲	انسانی ۱ (الف)	ضعیف
۳	انسانی ۲ (الف)	خوب
۴	انسانی ۲ (ب)	خوب
۵	تجربی ۱ (الف)	ضعیف
۶	تجربی ۱ (ب)	خوب
۷	تجربی ۲ (الف)	متوسط
۸	تجربی ۲ (ب)	خوب
۹	ریاضی ۱ (الف)	خوب
۱۰	ریاضی ۱ (ب)	خوب
۱۱	ریاضی ۲ (الف)	خوب
۱۲	ریاضی ۲ (ب)	خوب



نمودار شماره ۲. تحلیل از نتایج ارزشیابی تعیین میزان تسلط نسبی ثانویه گروه های دهگانه (بعد از ساخت کاردستی) به منظور مقایسه نتیجه دو ارزشیابی، نتایج حاصل را در جدول شماره ۳ در کنار هم آورده شده است که تحلیلی نموداری آن را در نمودار شماره ۳ آورده شده است.

جدول شماره ۳. نتایج مقایسه ایی ارزشیابی تعیین میزان تسلط نسبی اولیه و ثانویه گروه ها

ردیف	نام گروه	میزان تسلط نسبی اولیه	میزان تسلط نسبی ثانویه
۱	انسانی ۱ (الف)	ضعیف	متوسط
۲	انسانی ۱ (الف)	ضعیف	ضعیف
۳	انسانی ۲ (الف)	خوب	خوب
۴	انسانی ۲ (ب)	متوسط	خوب
۵	تجربی ۱ (الف)	ضعیف	ضعیف
۶	تجربی ۱ (ب)	خوب	خوب
۷	تجربی ۲ (الف)	ضعیف	متوسط
۸	تجربی ۲ (ب)	ضعیف	خوب
۹	ریاضی ۱ (الف)	متوسط	خوب
۱۰	ریاضی ۱ (ب)	خوب	خوب
۱۱	ریاضی ۲ (الف)	ضعیف	خوب
۱۲	ریاضی ۲ (ب)	ضعیف	خوب

نمودار شماره ۳. تحلیل نتایج مقایسه ایی ارزشیابی تعیین میزان تسلط نسبی اولیه و ثانویه گروه های دهگانه

نتیجه گیری

با تحلیل و بررسی جداول و نمودارهای پژوهش یافته ها و نتایج پژوهش درباره اثر ساخت کاردستی در برطرف کردن مشکل فهم مطالب کتاب هنر (در نگاه کلی) و مبحث عناصر هنری (در نگاه جزئی) شده است به شرح زیر است:

میزان تسلط سه گروه (ریاضی ۱) (ب)، تجربی ۱) (ب) و انسانی ۲) (الف) خوب بوده است که بدون تغییر مانده است.

میزان تسلط دو گروه (تجربی ۲) (الف) و انسانی ۱) (ب) از حالت ضعیف به متوسط پیشرفت داشته است.

میزان تسلط دو گروه (انسانی ۲) (ب) و ریاضی ۱) (الف) از حالت متوسط به حالت خوب پیشرفت کرده است.

میزان تسلط دو گروه (تجربی ۱) (الف) و انسانی ۱) (الف) از حالت ضعیف تغییری نکرده است، که این امر نیاز به در پیش گرفتن راهکارهای دیگری چون نقد آثار هنری بر پایه مطالب درسی مورد پژوهش را الزامی میکند.

بنابراین وضعیت بهبود یا عدم بهبود میزان تسلط گروه های کلاسی به مورد پژوهش قبل از ساخت کاردستی و بعد از آن به شرح جدول شماره ۴ است.

جدول شماره ۴. وضعیت بهبود یا عدم بهبود میزان تسلط گروه های کلاسی مورد پژوهش قبل از ساخت کاردستی و بعد از آن

ردیف	میزان تسلط به مبحث درسی مورد پژوهش	تعداد گروه ها قبل از ساخت کاردستی	تعداد گروه ها بعد از ساخت کاردستی	وضعیت
۱	خوب	۳	۸	بهبود یافته
۲	متوسط	۲	۲	تغییری نکرده*
۳	ضعیف	۷	۲	بهبود یافته
	مجموع	۱۲	۱۲	

* نکته: با توجه به آنکه دو گروه با میزان تسلط متوسط بر مباحث درسی در مرحله قبل از کاردستی (قرمز، طوسی) به حالت خوب پیشرفت داشته اند و دو گروه میزان تسلط ضعیف (سفید و بنفش) به حالت متوسط پیشرفت داشته اند. لذا در گزینه دو نیز علارغم عدم تغییر کمی اما دارای تغییر و بهبود کیفی هستیم.

بنا بر نتایج فوق میتوان نتیجه گرفت که ساخت کاردستی های خلاقانه در بهبود میزان تسلط دانش آموزان بر مبحث عناصر هنری کتاب هنر یازدهم دوره متوسطه دوم نظری موثر است.

References

Abbasi, Dareh Beidi, Ahmad. Kazemi Esfa, Negar. Ebrahimi, Muhaddeh. The role and place of art in progress. A collection of selected works and articles in the ۱۰th Congress of Pioneers of Progress.

Ahmadi, Babak. (۱۳۸۳). Truth and beauty.

Amini, Mohammad Amin (۱۳۸۴) Art education in the field of education. Tehran: Nasha Aizh

Amini, Mohammad. (۲۰۱۶). A review on the book Curriculum and Art Education in Education. Research of critical analysis of texts and programs of human sciences, research institute of human sciences and cultural studies. Scientific Research Monthly, ۱۷th year, ۶th issue, Azar ۱۳۹۶. pp. ۴۰-۲۱

Bagheri, Mohammad, Azmati, Hamidreza (۲۰۱۸) Physical space as a curriculum (creating children's creativity in the school environment) Iranian Curriculum Studies Quarterly, ۶th year, number ۲۲, pp. ۱۶۳-۱۸۴

Basiri, Mehrangiz (۲۰۱۷). Criticism on the book of secondary school art. Tehran. Publications and educational technology.

Case, C. and DaTlley, T.(2008).Art Therapy for children from Infancy

Chitsaz, Mohammad Javad. Qamashchi, Ahmed (۲۰۰۷). Investigating the communication status of the education system and the higher education system. Institute of Humanities and Cultural Studies. First year. First issue.

Chitsazian, Morteza. (۱۳۷۹). Musical horizons in Islam. Strategic studies of women.

Dadashzadeh, Kaveh. (۱۳۶۵). Painting and children's world. Tehran: Toka.

Dehkhoda, Ali Akbar. (۱۳۸۲). Dictionary of Dehkhoda. Tehran. Rozneh

Ebrahimi, Javad. Mohammadi, Mohammadi, Mohammad Ebrahim. The place of art in the curriculum of education and training. National conference on changes in the curriculum of education and training courses. pp. ۱۷-۱۶

Educational Research and Planning Organization. (۲۰۱۵) Art teacher's guide for ۱۰th grade, second period of high school. Authoring office of general and secondary theoretical textbooks, Tehran. Iran Textbook Publishing Company. P. ۳۱-۲۸

Faizi, Karim. (۱۳۸۸). Life and enough. Volumes one and two. Tehran. Information Publications.

Fardanesh, Hashem. (۲۰۱۵). Theoretical foundations of educational technology (۸th edition). Tehran. Samat

Farzad, Abdul Hossein. (۱۳۷۶). About literary criticism. Tehran. Drop publication.

Fischer, Ernest. (۲۰۰۵). Necessity of art. Translated by Firouz Shirvanlou. Tehran: Tos Publications.

Ghaemi, Ali; (۱۳۷۰) Zamina Tarbiat, Ch ۷, Tehran, Amiri Publications.

Ghaffari, Afsana (۲۰۱۴) Art education and its role in the development of students' creativity (Master's thesis). University

Giti, Mehdekht, translator (۲۰۰۷). The growth of elementary education. ۱۲th period, December.

Hakimi, Abd al-Rosoul. (۱۳۶۷). The role of art in education. Dissertation in the field of art. Ministry of Culture and Higher Education. Tehran: Art University Complex.

Hiedegger ,martin.(1979).poetry,language.thought.new york.

Hofstede, Greet, (2001), "Cultures Consequences: Comparing Values, Behaviors, Institutions, and Organizations across nations", Beverly Hills, CA: Sage

Imani Khoshkho, Mohammad Hossein. (۱۳۷۵). The role of art in the growth and development of society. Journal of Cultural Engineering. Second year. No. ۲۳ and ۲۴. ۹۱-۸۴.

Jafari, Mohammad Taghi. (۱۳۶۹). Beauty and art from the perspective of Islam. Tehran. Islamic Propaganda Organization.

John Lancaster. (۱۳۷۷). Art in school. Translator: Mir Mohammad Seyed Abbaszadeh. Tehran. School publications.

Karimi, Amir. Abbasalt, Asgari. Shojaei, Hamidreza. (۲۰۱۴) Design of art and architecture academy in Sabzevar city with Iranian Islamic architecture approach. Senior thesis. Faculty of Architecture and Urban Planning, Hakim Sabzevari University.

Lancaster, John. (۱۳۷۷). Art in the school (translated by Mir Mohammad Seyyed Abbaszadeh). Tehran: School. (It does not have a publication date in the original language).

Mamedpour, Mohammad (۱۳۸۸) Truth and religious art. An overview of the theoretical foundations of art, poetry, literature and religious visual arts. Tehran. Publication of Mehr

McLuhan (۱۳۷۷) to understand the media. Saeed Azari. Radio publications.

Mehrjo. Parvaneh. (۲۰۱۷). Art education with an emphasis on comparing normal and exceptional children. A scientific quarterly specialized in psychology, social sciences and educational sciences. Volume ۲, Number ۱, pp. ۶۷-۵۹.

Mirzabigi, Ali. (۱۳۷۶). The role of art in children's education and mental health, Tehran, Ministry of Culture and Islamic Guidance

Moghadam, Kaveh. Staki, Mahnaz. Saadat, Mehrnaz, and Kushki, Shirin. (۲۰۱۰). The effect of painting and pottery training on improving visual-spatial perception skills and visual memory of students with math problems. Iranian Quarterly of Exceptional Children, ۱۱ and ۲: ۱۵۰, ۱۴۱

Navid, Mehdi). ۲۰۱۶) Growth of elementary education. The eleventh period. . Number .۵

Organization of research and educational planning. Authoring office of general and high school theoretical textbooks. Tahzan. Iran Textbook Publishing Company. P. ۳۱-۲۸

Osborne, Alex S. Pervers the universal talent of creativity. Translated by: Hasan Ghasemzadeh. Tehran, Nilofar Publishing House, ۲۰۱۸.

Qutbi, Mohammad Youssef (۱۳۵۲) research in the definition of art. Tehran: Zovar Publications.

Rahimi, A. R. (۲۰۰۸) Basic questions about the interaction of education and public culture. Cultural research journal. ۱۰th year. Third term. Number seven.

Saif, Ali Akbar. (۱۳۸۹). Educational psychology and psychology of learning and education. Tehran. Samat

Sajjadi, Seyyed Mehdi. (۱۳۷۹) Approaches and methods of moral education. Philosophical-theological studies.

Seif, Ali Akbar. (۱۳۶۸). Educational Psychology, Marvi Publications, Fall

Shiraz, Faculty of Educational Sciences and Psychology.

Shokohi, Gholamhosein. (۲۰۱۰). Fundamentals and principles of education in Tehran. Astan Qods Razavi Publications.

Sobhaninejad, Mehdi. and Mousavi, Sahib. (۲۰۱۱). Explaining the philosophical foundations, approaches and methods of artistic education in the educational systems of Shahid University's Faculty of Humanities.

Tabatabai, Mohammad Hossein. (۱۳۶۳). Tafsir al-Mizan. Translated by Mohammad Baqer Mousavi Hamdani. Tehran: Raja Cultural Publishing Center.

Taghizadeh, Alireza. (۲۰۱۵). The role of art in the education of primary school children. International Congress of Islamic Sciences, Humanities, Tehran.

Tamnayfar, M. Amini, M. Yazdani Kashani, Zh. (2011). Reflection of the functions of art ducation to Adolescence. USA

Tolstoy, Leo. (۱۳۶۴). What is art? Translator: Kaveh Dehgan, Tehran, Amir Kabir Publications.

منابع وب

<https://www.sooremag.ir>

<https://mehrnnews.com>

<https://farsnews.ir>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی